

فصلنامه بین المللی قانون یار

License Number: ۷۸۸۶۴ Article Cod: Y6SH19A496 ISSN-P: ۲۵۳۸-۳۷۰۱

بررسی رفتار شناسی مجرمانه بر اساس عقلانیت کیفری با توجه به قانون کاهش مجازات حبس تعزیری

(تاریخ دریافت ۱۴۰۰/۰۷/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۰/۱۲/۱۸)

طیبه رضایی شورکی

دانشجوی کارشناسی ارشد رشته حقوق جزا و جرم شناسی

چکیده

از آنجایی که در جامعه کشور ایران، میزان بزهکاری و جرایم در هر شکل (چه جرایم خشن و چه جرایم یقه سفید) رقمی بالا بوده است و با توجه به اینکه اکثر مجرمینی که مرتکب جرایم گوناگون میگردند، ذهنیت محاسبه گر داشته و با اهرم عقلانیت کیفری، تصمیمی گیری کرده و بعد جرم را مرتکب میگردند، لازم است نگاهی انتقادی به حوزه قوانین و ابعاد مرتبط با قوانین جزایی کشور داشت تا بتوان با اصلاح قوانین جزایی، در ارتکاب بسیاری از جرایم ممانعت به عمل آورد. با توجه به اینکه در مورد نظریه آقای بنتام، عموماً پژوهشی که به زمینه های انتخاب عقلانی مجرمین پرداخته باشد، تاکنون وجود نداشته است، لذا این پژوهش دارای اهمیت بوده و میتواند نگاهی جدید را عرصه قانون گذاری و اجرای قوانین داشته باشد. قانون کاهش مجازات حبس تعزیری یکی از قوانین پویا در این زمینه است و با ابعاد مختلفی که دارد، اعم از ابعاد مرتبط با حقوق جزای عمومی و حقوق جزای اختصاصی و آیین دادرسی کیفری، با توجه به ذهنیت محاسبه گر مجرمانه، به نوعی باعث تقویت تصمیم گیری به سمت ارتکاب جرم در بسیاری از افراد گشته است و در این مقاله بدان پرداخته میگردد.

واژگان کلیدی: جرم، بزهکاران، جرمی بنتام، عقلانیت کیفری، قوانین کیفری

با توجه به بررسی بسیاری از جرایمی در حوزه حقوق ایران، در مواردی میتوان به نقش مکمل بودن قوانین کیفری در به وجود آوردن زمینه جرایم و یا ممانعت از به وجود آوردن جرایم پی برد. قوانین کیفری بستر و زمینه اولیه برای انتخاب عقلانی مجرم برای تصمیم گیری در مورد جرم میباشند. قوانین کیفری به همراه اجرای آنها و پارامترهای مرتبط با اجرای قانون در کشور ایران، یکی از مهمترین موثرترین عناصری است که در ارتکاب یا عدم ارتکاب جرم توسط مجرمین بالقوه نقش دارند. میزان مجازات هر جرم در قانون کیفری و مجازات ایران، به همراه اجرایی شدن قوانین جزایی و کیفری و چگونگی این اجرا از لحاظ، سرعت در رسیدگی، سرعت و حتمیت و قطعیت در رسیدن به مجازات، شدت مجازات از عمده ترین عواملی بوده اند که در ذهن مجرم بالقوه، اثرگذاری داشته و در فرایند تصمیم گیری، وی را همراهی مینمایند. به عنوان مثال در مورد پرونده قتل رومینا اشرفی^۱ وقتی از پدر وی پرسیده میشود که چرا بهمن خاوری^۲ را نکشتی و دختر خودت را کشتی؟ در پاسخ میگوید که اگر بهمن خاوری را میکشتم قصاص میشدم، پس دختر خود را کشتم تا قصاص نشوم. در همین جمله ساده میتوانیم نظری جرمی بنام در مورد ذهنیت محاسبه گر مجرمانه را به وضوح ببینیم. همه مجرمین دارای عقلانیت کیفری میباشند. اکثر آنان برای ارتکاب جرم، دست به محاسبه بر اساس قوانین کشور میپردازند. به طور واضح میتوان به اثر چند ماده قانونی در مورد ارتکاب به جرم توسط پدر رومینا اشرفی، پی برد. ماده ۳۰۱ قانون مجازات اسلامی^۳ مصوب ۱۳۹۲، ماده قانونی است که زمینه ارتکاب جرم توسط پدر رومینا اشرفی را به وجود آورده است. مواد دیگر در مورد قتل مثل ماده ۲۹۰ ق.م.ا. ۱۳۹۲ و سایر مواد مشابه از جمله موادی از قانونی میباشند که مانع از ارتکاب جرم پدر رومینا اشرفی در مورد بهمن خاوری بوده است. همانطور که مشاهده میگردد، گویی یک حقوق دان با محاسبه اقتصادی جرم، دست به ارتکاب قتل دختر زده است و از ارتکاب قتل پسر متجاوز سر باز زده است. به

۱ رومینا اشرفی دختر بچه ۱۳ ساله تالشی بود که توسط پدر در حالی که خواب بود به قتل رسید. پدر وی با داس سر فرزند خود را جدا میکند و در نهایت خشونت وی را به قتل میرساند.

۲ بهمن خاوری جوان ۲۸ ساله تالشی بود که با رومینا اشرفی ارتباط نامشروع داشته است.

۳ ماده ۳۰۱ ق.م.ا. ۱۳۹۲: قصاص در صورتی ثابت میشود که مرتکب، پدر یا از اجداد پدری مجنی علیه نباشد و مجنی علیه، عاقل و در دین با مرتکب مساوی باشد.

عبارتی مجرمین در فرآیند تصمیم‌گیری مجرمانه تبدیل به حقوق دانان و اقتصاد دانانی می‌گردند و این عقلانیت کیفری آنان در انتخاب و تصمیم‌گیری آنان نقش مهم و موثری دارد. اکنون می‌خواهیم این ذهنیت محاسبه‌گر و عقلانیت کیفری را با توجه به قوانین جزای کشور ایران مورد بررسی قرار داده و به این مهم پی ببریم که علت بسیاری از جرایمی که در کشور ایران به وقوع می‌پیوندند، ریشه در خلاءهای قانونی داشته است.

بخش اول: بررسی ابعاد عقلانیت کیفری با توجه به قوانین

بند اول: قوانین جزایی و کیفری

قوانین نقش بسیار مهم و موثری را در انتخاب عقلانی مجرمان دارند. این قوانین هستند که میزان درد و رنج حاصل از اجرای جرم، در ذهن محاسبه‌گر مجرم را تشکیل می‌دهند. اگر این قوانین به میزان لازم درد در آینده را برای مجرم تداعی نکنند و یا اصلاً تدابیر قانونی برای ایجاد درد و رنج حاصل از رفتار متجاوزانه نگردند، آنگاه تبدیل به یکی از مهمترین ارکان عقلانیت کیفری و انتخاب ذهنیت مجرمانه محاسبه‌گر مجرم میشوند.

بند دوم: قوانین مانع

به طور کلی قوانین مانع آن دسته از قوانینی هستند که در جرم‌انگاری، مجازاتی متناسب را برای رفتار ارتكابی پیش‌بینی نموده‌اند. این جرم‌انگاری مناسب سبب می‌گردد که بسیاری از مجرمین بالقوه با تفکر به دردهای نشای از مجازات و عقلانیت کیفری دست به این اقدامات نزده و از ارتكاب به آن دسته از جرایم سر باز زنند. اگرچه همیشه افرادی وجود دارند که این جرم را انجام می‌دهند و علل مختلف برای ارتكاب جرم آنها وجود دارد ولی طیف وسیعی از افراد و مجرمین بالقوه آن را انتخاب نمی‌کنند، چرا که دردهای بزرگی برایشان در اثر انتخاب کردن، در انتظار است. یکی از این جرایم قتل عمد است. مجازات اعدام و قصاص، دردی بزرگ است و در ذهنیت محاسبه‌گر مجرمان نقش یک مانع بزرگ را ایفا می‌کند. لذا تراکم نسبی جرم قتل به میزان زیادی کاهش می‌یابد و هر کسی که به قتل فکر می‌کند، لزوماً آن را انجام ندهد و ارتكاب آن را انتخاب نمی‌کند.

بند سوم: قوانین مداخله گر

عدم وجود قانون و جرم انگاری در موارد خاص استثنایی و یا وجود قوانینی که زمینه و بستر مناسبی میباشند که اقدامات مجرمانه ای صورت پذیرد و یا قوانینی که جنبه بازدارندگی ندارند، جزء دسته قوانینی هستند که در ذهنیت مجرمانه محاسبه گر، نقش مداخله گر داشته و در عقلانیت کیفری، نقش زمینه و بستری مناسب برای ارتکاب افراد به جرم میگردند. این دسته از قوانین، نیاز به اصلاح دارند تا بتوانند با اصلاح مجازات های متناسب، نقش مانع در عملکرد مجرمان داشته باشند. به عنوان مثال مجرمینی در زمینه اپلیکیشن ها و نرم افزارهای کاربردی دست به اقدامات مجرمانه زده و کلاهبرداری های کوچکی انجام میدهند. آنها در محاسبات خویش، به قربانی و تفکرات او میپردازند. به عنوان مثال تصمیم میگیرند که از هر شخصی ۱۰۰ هزار تومان کلاهبرداری کنند. مسلما مال باخته ای که ۱۰۰ هزار تومان از دست داده است بعد از اینکه قربانی میشود و مال از دست میدهد، تجزیه تحلیل اقتصادی میکند برای اقدام قضایی متناسب و عملکرد و عکس العمل نشان دادن. تا قبل از سال ۹۹ و قانون کاهش مجازات حبس تعزیری، کلاهبرداری جرمی بوده است که جنبه عمومی جرم باعث ورود دادستان برای شروع تعقیب بوده است ولی با توجه به این قانون و در زمره جرایم قابل عفو درآمدن، این جرم جنبه عمومی خویش را از دست داد و این جرایم تنها با شکایت شاکی خصوصی مورد پیگرد و تعقیب قرار میگیرند. با توجه به اینکه قربانیان و طعمه های این مجرمین، هزینه فرصت انجام میدهند، تعداد بسیاری از شکایت صرف نظر میکنند و این مجرمین با خیال راحت تر میتوانند دست به ارتکاب آزادانه جرم بزنند، بدون اینکه نگران تعقیب قضایی از ناحیه دادستان باشند.

بخش دوم: بررسی عقلانیت کیفری با توجه به نحوه اجرای قوانین جزایی و کیفری

اجرای قوانین جزایی و کیفری از دیگر مواردی است که در ذهنیت محاسبه گرم مجرمانه و عقلانیت کیفری او نقش به سزایی دارد. اجرای مجازات یکی از مهمترین اصولی است که مورد توجه اندیشمندان مکاتب مختلف کیفری در طول تاریخ تحولات حقوق کیفری بوده است. نحوه اجرای مجازات ها، ثابت نبودن مجازات ها و متغیر بودن آنها و نسبی بودن آنها نسبه به اشخاص از جمله عواملی است که در محاسبه ذهنیت مجرمانه نقشی منفی را ایفا میکند. اکنون به سه محور از اساسی ترین محورهای اجرای مجازاتها پرداخته میگردد که در عقلانیت کیفری بسیار مهم و موثر میباشند.

بند اول: سرعت اجرای مجازات

وجود تشریفات پیچیده آیین دادرسی کیفری و اطاله زمان در دادرسی یک پرونده و گذر از مراحل طولانی و طاقت فرسای دادرسی کیفری از جمله مواردی است که در زمینه افزایش آمار جرم بسیار تاثیر گذار بوده است و نقش رکن اساسی در ذهنیت محاسبه گر مجرمانه را دارد. به عنوان مثال مجرمینی در زمینه اپلیکیشن ها و نرم افزارهای کاربردی دست به اقدامات مجرمانه زده و کلاهبرداری های کوچکی انجام می دهند. آنها در محاسبات خویش، به قربانی و تفکرات او می پردازند. به عنوان مثال تصمیم می گیرند که از هر شخصی ۱۰۰ هزار تومان کلاهبرداری کنند. مسلما مال باخته ای که ۱۰۰ هزار تومان از دست داده است بعد از اینکه قربانی میشود و مال از دست میدهد، تجزیه تحلیل اقتصادی میکند برای اقدام قضایی متناسب و عملکرد و عکس العمل نشان دادن. ولی اولین گزینه ای که او مد نظر قرار میدهد، طولانی بودن دادرسی است. او با خود میگوید حتی اگر موفق به تعقیب و دستگیری متهم گردم، و حتی اگر قرار باشد به نتیجه نیز برسم، علاوه بر هزینه هایی که انجام داده ام، زمان زیادی را بایستی صرف کنم تا به نتیجه برسم. یک پرونده کیفری، مراحل قضایی طولانی را طی میکند. از شروع به تعقیب متهم، مراحل مختلف برای دستگیری وی، بعد جمع آوری ادله اثبات و مراحل کارشناسی، گذراندن مراحل بازجویی و بازپرسی مقامات قضایی، سپس صدور کیفرخواست و ارسال پرونده به دادگاه، بعد جلسات دادگاه و رسیدگی و انواع اعتراضات و کارشناسیهای مختلف، بعد صدور به حکم، اعتراض به آرا و تجدید نظر، در مواردی ارجاع پرونده به دیوان عالی و حتی گاهی رسیدگی مجدد، بعد از این مراحل قطعیت حکم و سرانجام اجرای احکام صادره قطعی شده. مراحل فوق الذکر در مورد یک پرونده گاها سالها به طول می انجامد. طولانی شدن این رسیدگی از جمله مواردی است که به کمک مجرمین آمده و نقش موثر و حمایتی در تصمیمی گیری عقلانی آنها ایفا مینماید.

بند دوم: قطعیت و حتمیت اجرای مجازات

قطعیت کیفرها که از راهبردهای پیشگیری کیفری از جرم هستند، ذهن اندیشمندان و قانونگذاران بسیاری را تحت تاثیر خود قرار داده است. این تاثیرگذاری در این جهت بوده که هرچه بر قطعیت اجرای آن از طریق حذف یا به حداقل رساندن موانع اجرای کیفرها بیافزاییم، از شمار جرائم کاسته

ایم. در مورد اصل تأثیرگذاری دو عنصر شدت و قطعیت در مجازاتها در بازداري از جرم، اختلاف است. به طوری که در برهه ای شدت کیفرها در جایگاه والاتری قرار گرفته است و در برهه ای دیگر این قطعیت است که توجه بیشتری را معطوف خود ساخته است. عده ای نیز جایگاه این دو عنصر را برابر دانسته و حکم به تأثیر یکسان آن ها در بازداشتن و پیشگیری از جرم داده اند و سرانجام این که برخی دیگر، بررسی کلی این موضوع را بدون تمایزگذاری بین جرائم مختلف و مجرمان متفاوت، نادرست دانسته و نسبت اثرگذاری این دو عنصر را در موارد گوناگون متفاوت یافته اند. اندیشه مقابله با جرم هم متضمن توجیه چرایی و ضرورت اصل این کار بوده و هم توجیه مجازات و کارکردهایش در توجیه مجازات، نظریه ی « بازدارندگی مجازات » یکی از کهن ترین آنهاست. بنابراین نتیجه می گیریم که قطعیت مجازات کاری به زمان ندارد و بهترین نوع مجازات ها مجازاتی است که از حتمیت و قطعیت برخوردار است زیرا اختیار قاضی در کم یا زیاد کردن آن کم است. میزان قطعیت و حتمیت مجازات ها از جمله عواملی است که در معادلات عقلانیت کیفری مجرمان نقش موثری دارد.^۱ (جانی پور، محمدی، ۱۳۹۴)

بند سوم: شدت اجرای مجازات

شدت کیفرها که از راهبردهای پیشگیری کیفری از جرم هستند، ذهن اندیشمندان و قانونگذاران بسیاری را تحت تأثیر خود قرار داده است. این تأثیرگذاری در این جهت بوده که هرچه بر شدت کیفر از طریق بالا بردن میزان درد و رنج حاصل از اجرای آن، از شمار جرائم کاسته ایم. اندیشه مقابله با جرم هم متضمن توجیه چرایی و ضرورت اصل این کار بوده و هم توجیه مجازات و کارکردهایش در توجیه مجازات، نظریه ی « بازدارندگی مجازات » یکی از کهن ترین آنهاست. بنابراین نتیجه می گیریم که شدت اجرای مجازات کاری به زمان ندارد و بهترین نوع مجازات ها مجازاتی است که از شدت لازم برخوردار است. هر چه مجازات شدید تر باشد، در نظریه ذهنیت محاسبه گر مجرمانه بنتمام، میزان ارتکاب به جرایم به شکل چشم گیری کاهش می یابد.^۲ (جانی پور، محمدی، ۱۳۹۴)

۱- جانی پور، کرم، محمدی، مرضیه، ۱۳۹۴، قطعیت اجرای کیفر در حقوق ایران.

۲- جانی پور، کرم، محمدی، مرضیه، ۱۳۹۴، قطعیت اجرای کیفر در حقوق ایران.

بخش سوم: بررسی عقلانیت کیفری با توجه به نوع جرم و بزهکاران

بند اول: تجاوز جنسی

تجاوز جنسی به مفهوم انجام نزدیکی با فردی بدون رضایت وی است. تجاوز جنسی نه فقط حمله فیزیکی است، بلکه تعرض به کرامت انسانی نیز به شمار می‌رود. از نظر فقهی هرگونه آمیزش جنسی خارج از روابط زناشویی هرچند با رضایت طرفین ممنوع و در زمره جرائم مستوجب حد قرار دارد. هرگاه یکی از طرفین راضی به این امر نبوده و دیگری وی را وادار به ارتکاب این عمل نماید، این ویژگی برای شخص مکره، از کیفیات مشده محسوب می‌شود. (فرجی‌ها، ۱۳۸۸: ۳۴) اما از نظرگاه روان‌شناسان، تجاوز جنسی تجاوزی است که هدف آن صرفاً آمیزش جنسی نیست و معمولاً با قدرت جسمی یا زور صورت می‌گیرد و بیشتر در اثر میل به سلطه‌جویی یا تحقیر فرد مورد تجاوز رخ می‌دهد. ^۱ اگرچه زنان از جمله قربانیان اصلی تجاوزات جنسی‌اند، اما دامنه بزه دیدگان این جرائم محدود به زنان نیست بلکه هر دختر و پسر ممکن است، آماج تجاوز جنسی قرار گیرند. در کنار زنان به عنوان قربانیان اصلی تجاوز جنسی، پسران نوجوان و دختران جوان نیز در معرض خطر بزه دیدگی این جرم قرار دارند. حال با تبیین اجمالی جرم تجاوز جنسی، بسترهای ظهور این جرم را بر اساس تبیین‌های جرم شناختی مورد بررسی قرار داده و برآمد حاصل از این بحث را بر اساس نظریه گزینش حسابگرانه مورد ارزیابی قرار خواهیم داد. (جانی‌پور، محمدی، ۱۳۹۴)

بند دوم: جرایم خشونت بار

با حضور بشر در جامعه، خشونت پا به عرصه وجود نهاد و در طول تاریخ حیات بشر، خشونت وسیله ادامه حیات و بقای گروه‌های مختلف اجتماعی و برتری آن‌ها بر یکدیگر بوده است. (پرفیت، ۱۳۷۸: ۲۶) ^۲ اما پس از گذر از دوران ابتدایی بشر به نظر می‌رسد، از شدت و گستره خشونت کاسته شده است اما این تفکر مانع از آن نیست که منکر خشونت موجود در جوامع شویم. از نظر فلسفی خشونت معنای گسترده‌ای دارد. از جمله، خشونت آن است که ضد مجرا و سیر طبیعی باشد. (سروش، ۱۳۷۸: ۲۰) یکی از کارشناسان علوم جنایی نیز خشونت را استفاده نامشروع و غیرقانونی از زور و قدرت

^۱ Pezeshkan.org

^۲ Alan Prfyt

دانسته است. (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۹: ۸) باوجود مفهوم گنگ و وسیع خشونت، جرائم خشونت‌بار در قلمرو حقوق کیفری، جرائمی چون قتل، ضرب و جرح، نزاع‌های دسته‌جمعی و ایجاد حریق و امثالهم را دربر می‌گیرد. حال بسترهای ظهور جرائم خشونت‌بار را در پرتو تبیین‌های جرم‌شناختی مورد تحلیل قرار داده و برآمد حاصل از این بحث را بر اساس نظریه گزینش حسابگرانه مورد ارزیابی قرار خواهیم داد. (جانی پور، محمدی، ۱۳۹۴)

بند سوم: جرایم مبتنی بر نفرت

جرائم مبتنی بر نفرت جرائم ناشی از تعصب با قصد مجروح ساختن یا تهدید دیگران به دلیل نژاد، ملیت، قومیت خاص و یا ناتوانی افراد است. جرائم مبتنی بر نفرت، عموماً به شکل اسلحه‌کشی، ایجاد حریق و خشونت جسمی خود را نشان می‌دهد. (گرت و جینز، ۱۹۹۸، ۲۸۸) بنابراین جرائم مبتنی بر نفرت، ارتکاب رفتارهای خشونت‌بار علیه افراد گروه‌های خاص اجتماعی است. از این‌رو این جرائم، ممکن است، بزه دیده فردی نداشته باشد و کل یک گروه اجتماعی را بزه دیده خود نماید. جرائم مبتنی بر نفرت، پیامدهای ناگوار احساسی و روان‌شناختی برای افراد گروه‌های خاص اجتماعی به وجود می‌آورد. این جرائم، از یک‌طرف موجب تقویت حس آسیب‌پذیری، اضطراب و شکل‌گیری فرهنگ ترس^۱ می‌شود و از طرف دیگر موجب گسست وحدت اجتماعی می‌گردد. یکی دیگر از پیامدهای ناگوار این جرائم، نفی گفتمان اصل برابری شهروندان است. از این‌رو به نظر می‌رسد بزه‌کاران این جرائم، شهروندان درجه اول^۲ و بزه دیدگان آن شهروندان درجه دوم^۳ باشند. یکی از مصادیق بارز جرائم مبتنی بر نفرت، پرونده سعید حنایی^۴ در مشهد است. وی در فاصله مردادماه سال ۸۰ تا ۸۱، ۱۶ زن خیابانی را در مشهد به قتل رساند. سعید حنایی فردی بود که در جبهه‌های حق علیه باطل حضور داشته و در خانواده‌ای مذهبی رشد کرده بود. وی در دادگاه و نیز مستند «و عنکبوت آمد» بارها اعلام نمود که علت قتل زنان خیابانی، نفرت وی نسبت به این زنان بوده است. در مطالعات میدانی انجام شده، نیز به یک مورد جرم مبتنی بر نفرت دست یافتیم. در این مصاحبه فرد مصاحبه

۱ Fear culture.

۲ First class citizens.

۳ Second class citizens.

۴ که در نشریات ملی و بومی به قاتل عنکبوتی مشهور گشت.

شونده که تابعیت ایرانی دارد، در مورد جرم خود چنین می گوید: «من از افغانی ها متنفر بودم و همیشه به این فکر می کردم که یه روزی انتقاممو از افغانی ها بگیرم. یه روز یه افغانی بهم یه حرفی زد که لحنش مؤدبانه نبود. منم از فرصت استفاده کردم و اونو به شدت زدم (مورد ضرب و شتم قراردادم). من اصلاً به این فکر نمی کردم که دستگیر یا محاکمه بشم، فقط به فکر انتقام گیری بودم.» بررسی پرونده سعید حنایی و مطالعه میدانی انجام شده در این حوزه، نشان می دهد که بزهداران جرائم مبتنی بر نفرت، بدون توجه به تحلیل های هزینه- فایده مرتکب جرم می گردند. بنابراین نظریه گزینش حسابگرانه در مورد جرائم مبتنی بر نفرت صادق نبوده و از این رو دسته دیگری از جرائم نیز از قلمرو عام نظریه گزینش حسابگرانه، خارج می گردد. (جانی پور، محمدی، ۱۳۹۴)

بخش چهارم: بررسی ابعاد عقلانیت کیفری با توجه به تغییرات ایجاد شده در قانون کاهش مجازات حبس تعزیری

بند اول: تغییرات در حوزه حقوق جزای عمومی

قانون کاهش مجازات حبس تعزیری، تغییراتی را در حوزه حقوق جزای عمومی ایجاد نمود که می توان به صورت خلاصه بدانها بدین شرح اشاره نمود: در ماده ۳ این قانون تغییراتی در تعدیل مجازات ایجاد نمود. در ماده ۴ این قانون تغییراتی در مجازاتهای تکمیلی ایجاد نمود. در ماده ۶ این قانون تغییراتی در ماده سی و هفت قانون مجازات عمومی ایجاد نمود. در ماده ۷ این قانون تغییراتی در مقررات مرتبط با تعلیق مجازات ایجاد نمود. در ماده ۸ این قانون تغییراتی در نظام نیمه آزادی ایجاد کرد. در ماده ۹ این قانون تغییراتی در نحوه اجرای نظارت الکترونیکی ایجاد نمود. در ماده ۱۰ این قانون تغییراتی در مجازات جایگزین حبس ایجاد نمود. در ماده ۱۲ این قانون تغییراتی در مقررات مرتبط با تکرار و تعدد جرم ایجاد نمود. در ماده ۱۳ و ۱۴ این قانون تغییراتی در مقررات مرتبط با تکرار جرم ایجاد نمود.

به طور کلی می توان تغییرات اعمال شده در حوزه حقوق جزای عمومی را، با تقسیم بندی حیطه مواد قانون کاهش مجازات حبس تعزیری، در این مورد به طور خلاصه بدین شرح بیان داشت: الف - کاهش یا تبدیل مجازات حبس تعزیری که شامل ماده ۱ و ۲ و ۳ و ۶ و ۱۵ می باشد. ب - توسعه قلمرو مجازات های تکمیلی و تعدیل جزای نقدی که شامل ماده ۴ و ۵ می باشد. پ - توسعه و تسهیل ارفاق

های قانونی که شامل ماده ۷ و ۸ و ۹ و ۱۰ می باشد. ت - توسعه جرایم قابل گذشت که شامل ماده ۱۱ می باشد. ث - تعدد و تکرار جرم که شامل ماده ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ می باشد.^۱

بند دوم: تغییرات در حوزه حقوق جزای اختصاصی

قانون کاهش مجازات حبس تعزیری، تغییراتی را در حوزه حقوق جزای اختصاصی ایجاد نمود که می توان به صورت خلاصه بدانها بدین شرح اشاره نمود: در مواد قانونی ۱ و ۵ و ۹ و ۱۱ و ۱۵ به جرایم با عناوین خاصی و ایجاد تغییراتی در مجازاتهای این جرایم پرداخته است و مجموعه جرایم خاصی را در این مواد قانونی مورد نظر قرار داده است.

بند سوم: تغییرات در حوزه آیین دادرسی کیفری

قانون کاهش مجازات حبس تعزیری، تغییراتی را در حوزه آیین دادرسی کیفری ایجاد نمود که می توان به صورت خلاصه بدانها بدین شرح اشاره نمود: در مواد قانونی ۱ و ۲ و ۱۱ با توجه به تغییرات در مقررات مرتبط با مرور زمان، صلاحیت دادگاه ها و شمارش جرایم قابل گذشت، تغییراتی از این جهت بر آیین دادرسی کیفری ایجاد نموده است.

بند چهارم: تاثیرات قانون کاهش مجازات حبس تعزیری

قانون کاهش مجازات حبس تعزیری با توجه به تغییرات عمده ای که در زمینه جرایم در جامعه به وجود آورد، به نوعی تعادل در نظام حقوقی و کیفری را بر هم زد و از این حیث تاثیرات غیر حقوقی، اعم از اقتصادی و فرهنگی بر جامعه داشته است و هم تاثیرات حقوقی بیشمار داشته است. تاثیرات عمده ای که بر میزان ارتکاب جرایم از لحاظ تغییراتی که در ابعاد مختلف حقوق کیفری، اعم از تغییرات در حوزه حقوق جزای عمومی، حقوق جزای اختصاصی و آیین دادرسی کیفری؛ گذاشته است.

۱ مصدق، محمد، ۱۳۹۹، شرح قانون کاهش مجازات حبس تعزیری، انتشارات جنگل.

بند پنجم: محاسن و معایب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری

قانون کاهش مجازات حبس تعزیری با توجه به تغییراتی که ایجاد نموده و با توجه به تاثیراتی که داشته است، به طور کلی دارای محاسن (نقاط قدرت) و معایب (نقاط ضعف) می باشد که بدانها اشاره می‌گردد.

بند ششم: محاسن و نقاط قدرت قانون کاهش مجازات حبس تعزیری

محاسن و نقاط قوت قانون کاهش مجازات حبس تعزیری به شرح زیر می باشد :

یک - یکی از مهمترین نقاط قوت این قانون که از ویژگی های این قانون هم میباشد، این است که اجرای این قانون باعث کاهش جمعیت کیفری زندان میشود. به عبارتی تاکید بر کیفر و حبس زدایی دارد و باعث کم شدن ورودی زندان ها میشود.

دو - از آنجا که این قانون تاکید بر ترافعی شدن رسیدگی دارد، نقاط قوت این است که در این قانون با توجه به اینکه دامنه جرایم قابل گذشت افزایش پیدا کرده است، زمینه ای برای بهره مندی بیشتر از عدالت ترمیمی شده است و نقش بزه دیده در فرایند گسترده دامنه جرایم قابل گذشت که باعث پر رنگ شدن نقش بزه دیده بوده بیشتر شده است و کاهش مداخله حاکمیت در روابط افراد را در بردارد. به عبارتی در واقع همه چیز به تصمیم شاکی بستگی دارد و در واقع در راستای حداقلی شدن حقوق جزا گام برداشته شده است.

بند هفتم: نقاط ضعف و ایرادات قانون کاهش مجازات حبس تعزیری

نقاط ضعف و ایرادات قانون کاهش مجازات حبس تعزیری عبارتند از :

یک - اولین ایراد به روش تصویب این قانون وارد است، چرا که قانون به صورت طرح دو فوریتی به تصویب رسیده است. بدین معنی می باشد که تصویب آن با عجله همراه بوده است. در صورتی که میبایست با روش عادی به تصویب میرسید و ابعاد مختلف آن مورد بررسی بیشتری قرار میگرفت.^۱

۱مصدق، محمد، ۱۳۹۹، شرح قانون کاهش مجازات حبس تعزیری، انتشارات جنگل.

دو - ایراد دیگر اینکه قانون فقط به کاهش آمار زندان پرداخته است نه به کاهش جرایم و مبارزه با عوامل بزهکاری. قانون گذار به جای خالی کردن زندان باید به دنبال از بین بردن عوامل به وجود آورنده جرم میبود تا جرم در جامعه کمتر گردد.

سه - ایراد بعدی اینکه این قانون تناسب جرم با مجازات را نادیده گرفته است و با تاکید بر حبس زدایی از اصل تناسب جرم و مجازات غفلت داشته است. اصولاً باید مجازاتی که برای یک جرم در نظر گرفته میشود متناسب با جرم باشد. با توجه به نظریه ژرمی بنتام در جرم شناسی که بیان میکند: انسان منفعت گرا است و برای ارتکاب یک جرم ابتدا سود و منفعت آن را در نظر میگیرد و مجازات آن را هم در نظر میگیرد و اگر مجازات خفیف باشد به سمت جرم علاقه مند میشود. البته موضوع این پژوهش، همین مطلب و ایراد وارده است که به تفصیل به آن پرداخته میشود. با این تفکر دو پیامد ایجاد میشود: اول باعث افزایش بزهکاری در جامعه میشود و دوم با توجه به اهمیتی که جامعه برای مواجهه و مقابله با جرم صورت میدهد باعث افزایش پدیده شتم تقاص در جامعه میگردد، بدین معنی که مردم خودشان به دنبال انتقام گرفتن و مجازات مجرمین می روند.

چهار - ایراد بعدی عنوان و نام قانون کاهش مجازات حبس تعزیری است. در عنوان عبارت "کاهش" بیان شده است، ولی در محتوای این قانون؛ کاهش، تبدیل، سقوط مجازات و موارد دیگر در مورد مجازات هم دیده شده است. لذا محتوا و متن با عنوان این قانون سنخیت ندارد. فقط ماده یک این قانون، مقررات مرتبط با کاهش مجازات را اعمال نموده است و در همین ماده نیز، علاوه بر آن تبدیل مجازات نیز صورت پذیرفته است و در بقیه مواد قانونی؛ تبدیل، تقلیل را اعمال نموده است. در پیش نویس اولیه این قانون، عنوان آن تقلیل بود که سنخیت بیشتری با محتوای این قانون داشت و در نهایت میتوان بیان نمود که عنوان اصلاح برخی مواد قانون جزایی کشور، برای عنوان این قانون مناسب تر به نظر میرسید.

پنج - ایراد بعدی که به این قانون مطرح می باشد، تبدیل کیفر حبس به جزای نقدی است که نوعی حبس زدایی میباشد ولی تبدیل حبس به جزای نقدی باعث میشود فشار اجرای این قانون برای همه اقشار جامعه یکسان نباشد نسبت به انسانهای مرفه جامعه و انسانهای کم رفاه تر یک اثر نداشته باشد. این اشکال و ایراد وارده از این جهت نیز، نوعی کسب درآمد برای دولت ایجاد نموده است. در قانون

وصول برخی درآمدهای دولت در ماده ۳ آن بیان شده است که تبدیل حبس به جزای نقدی منع درآمدی برای دولت بوده و رویکرد قانونگذار برای اعمال مجازات به عنوان درآمد برای خویش بوده است که سختی با اهداف مجازات ندارد و همچنین این که، جزای نقدی برای افرادی که توانایی پرداخت ندارند و نا توان از پرداخت جزای نقدی هستند در نهایت امر به زندان ختم میگردد.

شش - ایراد بعدی تغییراتی است که قانون کاهش مجازات حبس تعزیری در مجازات جرایم ایجاد کرده است و منطقاً قابل توجیه نیست. مثلاً در ماده ۱ بیان میکند که مجازات ایراد صدمه بدنی عمدی ماده ۶۱۴ ق.م.ا^۱ که زندان درجه ۵ بوده است و در این ماده تبدیل به زندان درجه ۶ شده است. جرم خشونت آمیز در این ماده را قانونگذار با چه منطقی تقلیل داده است و به مجازات درجه ۶ تبدیل نموده است. در همین ماده ۱ مجازات جرم آدم ربایی را نیز تغییر داده است. در ماده ۶۲۱ ق.م.ا قانونگذار مجازات درجه ۳ به عبارتی ۵-۱۵ سال حبس را برای جرم آدم ربایی در نظر گرفته بود ولی در قانن کاهش مجازات حبس تعزیری جرم آدم ربایی را در صورتی که به صورت تهدید به علف باشد از درجه ۳ به درجه ۴ تقلیل داده است و در سایر موارد آدم ربایی ۲ درجه تقلیل داده شده است به عبارتی از درجه ۳ به درجه ۵ تقلیل داده شده است و یکی از آثار تقلیل مجازات آدم ربایی باعث تغییر صلاحیت دادگاه میشود، بدین معنی که تا قبل از تغییر، دادگاه کیفری یک صلاحیت رسیدگی به جرم آدم ربایی را داشته است ولی با ایجاد تغییر، دادگاه کیفری دو صلاحیت رسیدگی به جرم آدم ربایی را دارد و اثر دیگر تا قبل از تغییر ماده مربوط به آدم ربایی، این جرم مجازات درجه ۳ را داشته است و صدور قرار بازداشت موقت امکان پذیر بوده است اما بعد از تغییر با، مجازات جرم درجه ۴ و ۵ را دارد که صدور قرار بازداشت برایش امکان پذیر نیست و همه این موارد میتواند میزان ارتکاب به این جرم را تا شدت زیادی تحت تاثیر قرار دهد.

هفت - ایراد بعدی این قانون در ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی که ناظر بر مجازات های تکمیلی است، مشاهده میشود مجازات تکمیلی مجازاتی است که علاوه بر مجازات اصلی، دادگاه میتواند اعمال کند و مجازات تکمیلی به حدود و قصاص و جرایم درجه ۱ تا ۶ میتوان اضافه نمود و به جرایم درجه ۷ و ۸ نمی توان اعمال کرد اما در ماده ۴ قانون کاهش حبس تعزیری آمده است که دادگاه در

مورد تمام مجازات های تعزیری می تواند مجازات تکمیلی اعمال کند. در واقع ماده ۴ قانون کاهش، ماده ۲۳ ق.م.ا را تکمیل کرده است و ایراد اینجا است که وقتی قانونگذار اعمال مجازات تکمیلی را زیادتر میکند، در واقع در حال تشدید مجازات بوده است به جای کاهش مجازات و این موضوع با عنوان قانون نه تنها سنجیت ندارد، بلکه در تضاد آشکار است.^۱

بخش پنجم: بررسی عقلانیت کیفری با توجه به تئوری بازیهای مجرمانه

تئوری بازیها یکی از علوم نوین میباشد که تبیین مفاهیم آن، پژوهشی گسترده و جداگانه می طلبد ولی به اختصار در این پژوهش بدان اشاره میگردد. قبل از تعریف و کارکرد علم تئوری بازیها و نقش آن در ارتکاب جرایم میتوان به جرات بیان نمود که این علم در دو سطح قابلیت مطرح شدن و به اجرا درآمدن دارد. یک سطح آن علمی و آکادمیکی و حرفه ای بوده است که برای انجام بازی در این بستر نیاز به آموزشهای تئوریک و عملی می باشد. ولی سطح دیگر آن، سطحی ساده و ابتدایی است که همه انسانها با توجه به محاسباتی که برای یک عمل مجرمانه دارند، از آن برخوردار میشوند. به عبارتی استفاده از ظرفیتهای این علم در این سطح ساده و ابتدایی، نیازی به آموزش های پیچیده علمی و نظری ندارد و همه انسانها از آن برخوردارند. با ذکر این مقدمه به سراغ بیانی مختصر به همراه مثالی کاربردی از این علم می رویم. علم تئوری بازیها علم تحلیل موقعیتهای مختلفی است که افراد با یکدیگر تعامل و ارتباط دارند و هدف این علم، یافتن بهترین عملکرد هر یک از افراد در موقعیتهایی است که در آن قرار دارند. از طرفی دانش جرم شناسی به شناخت علل وقوع جرم می پردازد و سعی دارد با ارائه راهکاری علمی، از علل وقوع جرم بکاهد و زمینه را برای پیشگیری از رفتار مجرمانه فراهم آورد. به طور کلی آنچه در زمینه وقوع جرم حائز اهمیت است، موقعیتهایی مجرمانه ای می باشد که بزهکاران و بزه دیدگان در آن قرار میگیرند. یکی از مهمترین عللی که زمینه وقوع جرایم را فراهم کرده و گاهی تشدید مینماید، عملکرد نامناسب هر یک از افراد در موقعیت های مجرمانه می باشد. تئوری بازیها با ابزارهایی که در اختیار دارد، افراد را قادر میسازد تا در موقعیتهای مجرمانه بهترین عملکرد را داشته باشند. از این رو میتوان مکاتب جرم شناسی مختلف را که به مطالعه رفتار مجرمانه و ریشه های جرم در افراد می پردازد، با رویکردی متفاوت نگرست و از منظر تئوری بازیها مورد مطالعه

۱. مصدق، محمد، ۱۳۹۹، شرح قانون کاهش مجازات حبس تعزیری، انتشارات جنگل.

قرار داد. به طور کلی ورود علم تئوری بازیها به دنیای علم حقوق و تحلیل مکاتب جرم شناسی با پارادایم علم تئوری بازیها، علم حقوق را قادر می سازد تا به وسیله ابزاری مدرن و پر قدرت به پارادایمی نوین در زمینه جرایم و رسیدگی به جرایم و دادرسی های حاصل از آن دست یافته و راهبردهایی ارائه نماید که میزان دسترسی مکاتب جرم شناسی و نظام حقوقی ایران را به اهدافشان تسهیل و تسریع نماید. به طوری که علم تئوری بازیها قادر است با تحلیل موقعیتهای مجرمانه و مدیریت بازیهای مجرمانه و دادرسی های حقوقی، میزان ارتکاب جرایم را به نحوی چشم گیر کاهش داده و جنبه مهارشوندگی و بازدارندگی را تقویت نموده و راهبردهایی عملیاتی جهت تسریع در دادرسیها داشته و از اطاله دادرسی در بسیاری از پرونده ها جلوگیری نماید.

ابتدائاً بایستی به عنوان مقدمه برای تعریف مساله به بیان این نکته پردازیم که ؛ افراد دائماً در شرایط مختلف با یکدیگر در حال تعامل و برقراری ارتباط می باشند. زمانی که به بازار به قصد خرید یا فروش می روند، زمانی که سعی در انتخاب همسر در زندگی دارند، زمانی که می خواهند یک دعوای حقوقی را شروع نمایند و یا علیه آنها دعوایی حقوقی اقامه می شود، یا زمانی که در یک موقعیت مجرمانه به عنوان بزهکار یا بزه دیده قرار میگیرند ؛ به طور کلی در حال برقراری ارتباط با طرف مقابل خود می باشند. علم تئوری بازیها نام این فضای ارتباطاتی را بازی می گذارد و سعی می کند با تحلیل موقعیت و یافتن رفتار و عملکرد مناسب و متناسب با شرایط، بهترین استراتژی را در اختیار افراد قرار دهد تا بتوانند با کارایی و با صرف کمترین هزینه های مختلف به اهداف خود دسترسی پیدا کنند. علم تئوری بازیها یا نظریه بازیها شاخه ای از علم ریاضی کاربردی است که ابزارهایی را برای تحلیل موقعیتهای و شرایط طرفین بازی و تصمیم گیریهای متقابل آنها فراهم می کند. تئوری بازی در مدیریت و کنترل موقعیتهای مختلف مورد استفاده قرار می گیرد. به طور کلی نظریه بازیها یک چارچوب نظری برای تصور موقعیتهای اجتماعی در بین بازیکنان رقیب است. از بعضی جنبه ها، نظریه بازی علم استراتژی یا حداقل تصمیم گیری بهینه از بازیگران مستقل و رقیب در یک محیط استراتژیک است. تمرکز علم تئوری بازیها، بازی است که به عنوان الگویی از یک موقعیت تعاملی در بین بازیکنان منطقی عمل می کند. نکته اصلی در نظریه بازی این است که بازده یک بازیکن منوط به استراتژی اجرا شده توسط بازیکن دیگر است. در این بازی هویت بازیکنان، ترجیحات و استراتژی های موجود و چگونگی تأثیر این استراتژیها بر نتیجه بازیکنان را مشخص می کند. بسته به مدل، سایر الزامات یا

فرضیات مختلف دیگر ممکن است لازم باشد. نظریه بازیها دارای طیف گسترده‌ای از برنامه‌ها است؛ از جمله روانشناسی، زیست‌شناسی تکاملی، جنگ، سیاست، اقتصاد، تجارت و مهمتر از همه این مسائل حقوق. با وجود پیشرفت‌های فراوان، نظریه بازی هنوز یک دانش نوپا و در حال توسعه است. در دنیای علم حقوق کیفری، مکاتب مختلف جرم‌شناسی وجود دارند. این مکاتب حقوق کیفری و جرم‌شناسی از مکتب کلاسیک که نقطه شروع نظریات جرم‌شناسی بود تا نظریات پسانوگرایی و پست مدرنیسم از جرم‌شناسی که آخرین تحولات مکاتب جرم‌شناسی می‌باشند، سعیشان بر یافتن مدل جهت تبیین ماهیت جرایم، تبیین علل مختلف ایجاد جرم و تعیین راهکارهای عملیاتی برای کنترل نرخ جرم در جوامع و پیشگیری جرم در جامعه می‌باشد. هر مکتب جرم‌شناسی با پارادایم منحصر به فرد خویش به جرایم نظر داشته و با همین رویکرد به ارائه راهکار می‌پردازد. از طرفی ساختار نظام حقوقی ایران، بالاخص نظام حقوقی کیفری ایران، تحت تاثیر مکاتب جرم‌شناسی در طول تاریخ بوده است. به عنوان مثال می‌توان در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و یا در قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ رد پای از مکتب کلاسیک و نظریات مبتنی بر عقلانیت اقتصادی در رفتار مجرمانه از جرمی بنام را مشاهده نمود. مکاتب مختلف جرم‌شناسی با توجه به رویکرد علمی شان و درجه اعتبار علمی شان جایگاه خود را در قانون‌گذاری در ساختار نظام حقوقی ایران حفظ کرده‌اند و سهم خود را در کاهش میزان ارتکاب جرایم و ارائه راهکار در پیشگیری و کنترل جرایم ایفا نموده‌اند. میتوان بیان نمود که کارکرد علم تئوری بازیها را که به صورت مستقیم و آگاهانه و یا غیر مستقیم و ناآگاهانه مورد استفاده مکاتب جرم‌شناسی بوده است مورد بررسی قرار میگیرد و مکاتب مختلف جرم‌شناسی را که بر ساختار نظام حقوقی ایران تاثیر به سزایی داشته‌اند از منظر تئوری بازیها مورد مطالعه قرار میگیرد و بیان نمود که علم تئوری بازیها و رویکرد و پارادایمی که این علم ایجاد میکند، چنانچه در مکاتب جرم‌شناسی وجود داشته است (چه به صورت آگاهانه و چه به صورت غیر آگاهانه)، اگر مجال ورود به حیطه نظام حقوقی کیفری ایران و نظام دادرسی حقوقی ایران داشته باشد، می‌تواند با راهبردهای منحصر به فردی که دارد، تحولی عظیم در جهت بهبود نظام حقوقی ایران داشته باشد. به عبارتی میتوان با پارادایم و عینک تئوری بازیها به دانش جرم‌شناسی و مکاتبی که در این دانش وجود دارد نگرسته و از این نگرش در جهت تبیین متفاوتی از این دانش به همراه ارائه راهبردهای مناسب با ساختار نظام حقوقی ایران پرداخت. به عنوان مثالی از این منظر، علم تئوری بازیها قادر است با تحلیل موقعیتهای مجرمانه و دادرسی، نگاهی متفاوت به مقوله جرم و دادرسی حقوقی

داشته باشد و با تعریف موقعیتهای مختلف تحت عنوان بازی (بازیهای مجرمانه یا بازیهای دادرسی) به میزان چشم گیری از وقوع جرایم بکااهد و میزان چشم گیری در پیشگیری از جرایم داشته باشد. برای تبیین مفهوم علم تئوری بازیها ابتدا با بایستی مفهوم بازی بیان گردد. قبل از این که به مفهوم نظریه ی بازی ها پرداخته شود باید مقصود از «بازی» را مشخص شود. به طور کلی کلمه بازی دارای دو مفهوم عام و خاص است. مفهوم عام آن در میان عامه ی مردم استفاده میشود و در برگیرنده مفاهیمی همچرا که بازی های ورزشی و مسابقات ورزشی، انواع بازیهای که به شکل قمار و شرط بندی صورت میگیرد، بازیهای مثل شطرنج را شامل میشود؛ ولی بازی در مفهوم خاص، مواردی را شامل میشود که کمتر بدانها توجه و تمرکز شده است. به عنوان مثال بسیاری از روابط سیاسی، اقتصادی، تجاری، نظامی بین افراد یا سازمانها یا دولتها از نوع بازی می باشند. همانطور که در بازی های عامیانه حداقل دو نفر (دو طرف) حضور دارند و هر یک از دو طرف برای برد تلاش می کند، اما نتیجه ممکن است برد، باخت یا تساوی باشد، در بازیهای واقعی در سطح جامعه نیز حداقل دو نفر وجود دارند و یا بهتر است از دو نفر به دو شخص نام برد. بازیهای بسیاری در دنیای واقعی صورت میگیرد که در آنها حداقل دو شخص وجود دارند. گاهی این بازیها بین دو شخص حقیقی است، گاهی این بازیها بین دو شخص حقوقی و یا شرکت است. گاهی این بازیها بین یک شخص حقوقی و یک شخص حقیقی است و گاهی بازیها بین اشخاص حقیقی یا حقوقی با سازمانها و دولتها می باشد. شاید بتوان بازی و تئوری بازیها را به سادگی و از میان تعارف مختلف و گسترده ای که وجود دارد تبیین نمود، ولی با توجه به اهمیت تعریف بازی و تئوری بازیها لازم به نظر میرسد که به کلیه تعاریفی که تاکنون از بازی و تئوری بازیها صورت گرفته است پرداخته شود و همچنین تعریف خود را نیز از بازی و تئوری بازیها بیان کنیم. می توان به طور کلی بیان کرد که منظور از بازی و آن چه در نظریه ی بازی ها به آن «بازی» اطلاق می شود عبارت است از: «شرایطی که در آن تصمیم هر فرد بر تصمیم فرد دیگر تأثیر بگذارد و تمام افرادی که در آن شرایط قرار دارند به این نکته واقف باشند»، لذا «رقابت» و «همکاری» می تواند به عنوان یک بازی تلقی شود. براین اساس «نظریه بازی» عبارت است از: «علمی که به مطالعه تصمیم گیری افراد در شرایط تعامل با دیگران می پردازد». به تعبیر دیگر نظریه ی بازی ها علم مطالعه ی بازیها است و می خواهد نشان دهد که وقتی افراد در شرایط یک بازی قرار می گیرند چگونه می توانند تصمیم عاقلانه بگیرند. نظریه ی بازی ها می خواهد اصول و قاعده تصمیم گیری را در شرایط تعاملی به بازیکنان یک بازی نشان دهد. از نظریه ی بازی ها می توان در موارد زیادی استفاده کرد که از

مهمترین آنها تحلیل بازی های دنیای واقع، پیش بینی وقایع و ارائه راه کار می باشد و از این طریق است که می توان انتخاب درست را به بازیکنان یک بازی نشان داد. یکی از مفاهیم پایه ای که در تئوری بازیها مورد استفاده قرار میگیرد مفهوم عقلانیت است. عقلانیت، روش بازیکن در نظام تصمیم گیری و عملکردش میباشد که باعث ترجیح و انتخاب بهتر به بدتر، بیشتر به کمتر، خوب به بد میشود. عقلانیت یکی از فروض اصلی بازیکنان در تئوری بازیها است و از این حیث آنان را قابل پیش بینی مینماید. عدد ۴ و ۵ را در نظر بگیرید. عقلانیت به عبارتی اینکه بازیکن بتواند در مرحله اول به این شناخت برسد که عدد ۵ از عدد ۴ بزرگتر است و در مرحله دوم بتواند به این عملکرد برسد که ۵ را بر ۴ ترجیح داده و ۵ را انتخاب نماید. مفهوم عقلانیت در دنیای تعریف کاملاً ساده و در دنیای عمل کاملاً پیچیده است. در دنیای عملکرد موقعیتهای بازی و انواع احساسات موثر و تاثیرگذار میشوند و در عملکرد بازیکن اثر میگذارند. میتوان به جرات بیان نمود که تصمیم گیری و عملکرد بر اساس عقلانیت میتواند در پیروزی و کسب امتیاز بازیکن موثر باشد. جمله معروفی است که افراد در موقعیتهای احساسی بیان میدارند که تجلی مفهوم عقلانیت است. افراد در موقعیتهای احساسی عموماً جمله و عبارتی را به کار می برند: "میدانم درست نیست، ولی دوست دارم!" معنا و مفهوم این جمله این است که شخص در نظام تصمیم گیری عقلانی فکر میکند ولی در مقام عملکرد نمی تواند رفتاری عقلایی داشته باشد. اذعان میکند که ۵ بزرگتر از ۴ است ولی ۴ را انتخاب می کند. میدانم که سودش نیست و ضرر میکند ولی انتخاب میکند. میدانم که رفتاری اشتباه است ولی انجامش میدهد. فرم استراتژیک بازی در تئوری ازیها، از جمله اصطلاحات مهمی است که مورد استفاده قرار میگیرد و عبارتست از: مجموعه پیامدهای هر بازیکن با توجه به انتخابهای پیش رو و استراتژیهای بازیکنان مختلف با توجه به هر یک از انتخابهایشان، فرم استراتژیک بازی نام دارد. به عنوان مثال یک بازی دارای چهار حالت است برای هر بازیکن در انتخاب استراتژی. به عبارتی هر بازیکن میتواند یکی از چهار استراتژی را انتخاب نماید. در هر انتخاب پیامدی متوجه خودش و پیامدی متوجه بازیکن دیگر خواهد بود. پیامدهای خودش و بازیکن حریف در هر چهار استراتژی را فرم استراتژیک بازی مینامند. همچنین اصطلاحی دیگر در تئوری بازیها وجود دارد که ماتریس بازی نام دارد و منظور از آن: چینش فرم استراتژیک بازی در جدولی (دو در دو باری بازیهای دو نفره با دو استراتژی یا به عنوان مثالی دیگر جدولی دو سطر در سه ستون برای بازیهای دو نفره با سه استراتژیک برای هر کدام) که شامل اعدادی برای نمایش پیامدهای هر بازیکن میباشد، ماتریس بازی نام دارد. به طور کلی مکتب

کلاسیک بیان میکند که علت ارتکاب جرایم در بزه‌کاران، اراده و آزادی و عقلانیت کیفری آنها و ذهنیت مجرمانه محاسبه گر در آنان می باشد و از طریق عقلانیت و محاسبه گری، دست به ارتکاب جرم می زنند. همچنین برای پیشگیری از جرایم در افراد بایستی مجازات بر اساس شدت و حتمیت و قطعیت به نحوی اعمال شود که افراد تمایلی به ارتکاب جرایم را نداشته باشند. اکنون نوبت به تبیین مثالی از دنیای واقعی است تا بتوان کارکرد مکتب کلاسیک را مشاهده نمود و بعد از آن لازم است که موفقیت و عدم موفقیت این مکتب در مثال ذکر شده و سایر موارد مشابه در دنیای واقعی مشخص گردد و در نهایت علم تئوری بازیها وارد تحلیل این مکتب گردد. مثالی که کاملاً متناسب با مکتب کلاسیک می باشد، قتل رومینا اشرفی است. رومینا اشرفی^۱ دختر نوجوان ۱۴ ساله ایرانی اهل تالش بود که پدرش او را به قتل رساند. او پیش از مرگ به علت مخالفت خانواده با ازدواجش، به همراه دوست پسرش از خانه گریخته بود، اما پلیس او را دستگیر کرد و به پدرش تحویل داد. قتل او واکنش‌های زیادی را در شبکه‌های اجتماعی به همراه داشت. طبق گفته برخی منابع، پدر او پس از مشورت با دامادش که وکیل دادگستری است و با اطلاع از اینکه در قانون مجازات اسلامی ولی دم قصاص نمی‌شود، وی را با داس به قتل رساند. به گفته وکیل مادر رومینا، رئیس دادگاه از رضا اشرفی پرسید «اگر تو معتقد بودی ناموست لکه‌دار شده، چرا بهمن خاوری را نکشتی؟... آیا این رفتار یک پدر با فرزندش است؟» و رضا اشرفی پاسخ داد: «اگر بهمن را می‌کشتم قصاص می‌شدم». رومینا اشرفی قبل از ۱۳ سالگی عاشق پسری ۲۸ ساله به نام بهمن خاوری شده بود. پدر رومینا (رضا اشرفی) ظاهراً به دلیل اختلاف فرهنگی (مذهبی) که بین دو خانواده وجود داشت، مخالف ازدواج آنها بود. در ۲۸ اردیبهشت ۱۳۹۹، رومینا به همراه بهمن خاوری فرار کرد اما یک روز بعد، خانواده اش شکایتی تحت عنوان «آدم‌ربایی» در دادسرا ثبت کردند که منجر به تعقیب قانونی و بازداشت آنها شد. به گفته خاله رومینا، برای آنکه رومینا را راضی به بازگشت کنند، به او پیغام می‌رسانند که پدرش با ازدواجش موافق است. بر این اساس، خانواده خاوری سفره عقدی آماده می‌کنند، ولی در زمان مقرر، رضا اشرفی با پلیس در آنجا حاضر می‌شود. به گفته افراد محلی، رومینا به علت ترس از جانش و آشنایی با خلیات پدرش، تمایلی به بازگشت به خانه نداشته‌است اما پلیس به ناچار و طبق قوانین، او را به پدرش تحویل داد. به گفته معاون دادگستری گیلان «پدر رومینا با ملاطفت و مهربانی که نشان داده بود اعتماد

بازپرس را جلب کرده بود و با بررسی جمیع شرایط، علتی برای تحویل ندادن دختر به خانواده‌اش در آن زمان وجود نداشته‌است». آن‌ها شب را در منزل یکی از بستگان در آستارا به صبح رساندند و فردای آن روز راهی روستای‌شان شدند. در ۱ خرداد ۱۳۹۹ پدر ابتدا سعی کرد رومینا را خفه کند اما موفق نشد و پس از آن سر او را با داس برید. به گفته یکی از مقامات دادگستری گیلان پدر رومینا بلافاصله پس از قتل دختر، از کرده خود پشیمان شد و از خانه بیرون آمد و تقاضای کمک کرد که بی‌فایده بود. اقوام رومینا (که چند دقیقه بعد از قتل، به محل حادثه رسیده بودند) می‌گویند: رضا اشرفی داس خونی و بخشی از موهای رومینا را بالا گرفته و گفته «غیرت من را ببینید که بچه خودم را کشته‌ام». با شیون‌های مادر و بقیه همسایه‌ها پلیس از راه رسید و قاتل را بازداشت کرد. از دیدگاه حقوقی و قضایی، مطابق با ماده ۳۰۱ قانون مجازات اسلامی، پدر در جایگاه ولی قهری در قتل فرزند قصاص نمی‌شود بلکه قصاص تبدیل به دیه و تعزیر می‌شود. در روزهای پس از مرگ رومینا، گزارش‌های مختلفی درباره جنون آنی پدرش و پشیمانی او از انجام قتل منتشر شد. این در حالیست که بر اساس گزارش نشریه شهروند که در ۱۰ خرداد ۱۳۹۹ منتشر شد، پدر رومینا یک ماه پیش از ارتکاب قتل، در مورد میزان مجازات احتمالی چنین جرمی تحقیق کرده بود. او در تماس تلفنی با دامادش (که وکیل دادگستری است) دریافته بود که طبق قوانین ایران، پدر ولی دم است و قصاص نمی‌شود. خلاء قانونی به نام نبودن لایحه تأمین امنیت زنان در برابر خشونت منجر به وقوع چنین جرایم و قتل‌های ناموسی می‌شود. لایحه تأمین امنیت زنان در ایران هفت سال در انتظار گرفتن تأیید از قوه قضاییه مانده‌است و هر بار به علل متفاوت از نوبت رسیدگی خارج می‌شود. این لایحه در صورت تصویب، جان زنان و دختران آسیب دیده را تا حدودی محافظت خواهد کرد. با تکیه بر لایحه تأمین امنیت زنان و در شرایطی که خطر جانی برای زن یا دختر وجود داشته باشد. پلیس موظف خواهد شد با ایجاد واحدهای ویژه پیشگیری و مبارزه با خشونت در کلانتری‌ها، از استرداد وی به خانواده جلوگیری کرده و در عوض، شرایط پناه وی را در سازمان بهزیستی فراهم کند. همچنین سازمان بهزیستی کشور موظف خواهد شد در راستای تحقق اهداف این قانون، با شناسایی، پذیرش و نگهداری و ارائه خدمات تخصصی به زنان خشونت دیده یا در معرض خشونت -و در صورت لزوم فرزندان ایشان- شرایط مطلوب را فراهم نماید. هر آنچه از این پرونده هولناک بر می‌آید، این نکته را می‌رساند که ارتکاب این قتل فجیع بر اساس مکتب کلاسیک و عقلانیت کیفری و ذهنیت مجرمانه محاسبه گر بوده است. قاتل بر اساس محاسبه برای ارتکاب جرم، با توجه به سود و منفعتی که تحت عنوان غیرت و

شهرت به مردانگی در روستا بدست می آورد و با توجه به مجازاتی که در انتظار وی بوده است، دست به ارتکاب جرم می زند. با توجه به این نکته مهم می توان بیان نمود که مکتب کلاسیک در این زمینه بسیار موفق بوده است ولی نظام حقوقی ایران با توجه به عدم تبعیت در قانون گذاری و عدم در نظر گرفتن نظریات مکتب کلاسیک، با غفلت از این چنین موارد، زمینه و بستر را برای چنین تفکرات جنون آمیزی باز نموده است.

اکنون نوبت به علم تئوری بازیه‌ها می رسد تا با ورود به دنیای این مثال واقعی به مکتب کلاسیک در جهت رسیدن به اهداف عمده اش کمک و همراهی نماید. برای علم تئوری بازیه‌ها این موقعیت مجرمانه به مثابه یک بازی می باشد که در آن طرفین بازی که عبارتند از قاتل و مقتول ایفای نقش میکنند. مکتب کلاسیک در نظر دارد که جرم قتل توسط پدر رومینا صورت نگیرد، لذا برداشتش چنین است که پدر رومینا بر اساس عقلانیت کیفری و محاسبه مجازات و در نظر گرفتن مجازات دست به چنین جنایتی می زند و در نظر دارد با مجازاتی سنگین تر مانع از اقدام مجرمانه او گردد. ولی با تمام تلاشی که دارد موفق عمل نمی کند و پدر رومینا نه تنها با توجه به مکتب کلاسیک از انجام جرم منصرف نمی شود، بلکه جرم را به شکلی فجیع تر مرتکب می شود. مکتب کلاسیک شاید باعث شود که پدر رومینا، بهمن را به قتل نرساند ولی همین مکتب کلاسیک باعث میشود که پدر رومینا، رومینا را به طرزی فجیع تر به قتل برساند. این نقطه بن بست مکتب کلاسیک است. اکنون نوبت به تئوری بازیه‌ها است. تئوری بازیه‌ها وارد میدان مکتب کلاسیک می شود. موقعیت مجرمانه برایش به صورت بازی تعریف می شود. بازیکنان این بازی تنها پدر رومینا و رومینا نیستند. پلیس به نمایندگی نظام قضایی، بهمن به عنوان شخصی موثر از دیگر بازیکنان این بازی هستند ولی برای سادگی روابط تنها به بازی بین دو بازیکن پدر رومینا و رومینا می پردازد. در این بازی پدر رومینا ۳ استراتژی دارد: استراتژی اول این است که بهمن را بکشد و قصاص شود، استراتژی دوم این است که رومینا را بکشد و چند سال حبس شود، استراتژی سوم این است که هیچ کدام را نکشد و با بی آبرویی زندگی کند. با توجه به انتخابی که بر اساس عقلانیت پدر رومینا انجام داده است، می توان متوجه شد که برای او قصاص شدن بیشترین مطلوبیت منفی را داشته است، بی آبرویی برای او مطلوبیتی منفی به مراتب کمتر از قصاص داشته است و قتل رومینا مطلوبیت منفی قابل قبولی برایش داشته است. اگر بخواهیم به عنوان مثال و نمادین از اعداد استفاده کنیم تا بتوانیم با تحلیل تئوری بازیه‌ها، این مورد را بررسی کنیم می توان از ۳

عدد استفاده نمود. عدد منفی هزار (۱۰۰۰-) که نماینده قصاص و عدد منفی صد (۱۰۰-) که نماینده بی آبرویی و عدد منفی ده (۱۰-) که نماینده قتل رومینا است. رومینا نیز ۲ استراتژی دارد: استراتژی اول اعتماد کردن است و استراتژی دوم اعتماد نکردن و عکس العملهایی مثل فرار مجدد است. رومینا اگر اعتماد کند با سودی احتمالی که وعده ازدواج با بهمن است مواجه می شود و اگر اعتماد نکند با ضرری قطعی که عدم ازدواج با بهمن است مواجه میگردد. با توجه به انتخابی که بر اساس عقلانیت، رومینا انجام داده است، می توان متوجه شد که برای او اعتماد کردن، کمترین مطلوبیت منفی را داشته است، بی اعتمادی برای او مطلوبیتی منفی به مراتب بیشتر از اعتماد کردن داشته است. اگر بخواهیم به عنوان مثال و نمادین از اعداد استفاده کنیم تا بتوانیم با تحلیل تئوری بازیها، این مورد را بررسی کنیم می توان از ۲ عدد استفاده نمود. عدد منفی دویست (۲۰۰-) که نماینده اعتماد کردن و عدد منفی سیصد (۳۰۰-) که نماینده بی اعتمادی است. فرم استراتژیک این بازی به شرح جدول زیر است. درایه های سمت راست در هر خانه جدول نماینده مطلوبیت پدر رومینا است و درایه های سمت چپ در هر خانه جدول نماینده مطلوبیت رومینا است. اکنون باید انتخاب عقلایی در هر کدام را پیدا نمود. بازی را باید از دیدگاه هر دو نفر مورد بررسی قرار داد.

هیچ کدام را نکشد و بی آبرو شود	رومینا را بکشد و زندان برود	بهمن را بکشد و قصاص شود	استراتژیهای پدر رومینا (ستون ها) استراتژیهای رومینا (سطرها)
۱۰۰- و ۲۰۰-	۱۰- و ۲۰۰-	۱۰۰۰- و ۲۰۰-	اعتماد کند تا ازدواج کند
۱۰۰- و ۳۰۰-	۱۰- و ۳۰۰-	۱۰۰۰- و ۳۰۰-	اعتماد نکند و ازدواج هم نکند

جدول ۱ - جدول ماتریسی مکتب کلاسیک در تئوری بازیها

از آنجا که اعداد منفی در تحلیل کار را کمی سخت میکنند، لذا برای استفاده از مثال عددی، از اعداد مثبت استفاده میشود و مسیر طی شده بالا برای رسیدن به فرم استراتژیک مجدداً طی می شود تا به جدول ماتریسی فوق (منتهی با اعداد مثبت قابل درک تر) برسیم. برای تعیین میزان مطلوبیت پدر به شکل مثبت (نه به شکل منفی که در بالا بدان اشاره شد) می توان از ۳ عدد استفاده نمود. عدد مثبت ده

(۱۰+) که نماینده قصاص و عدد مثبت صد (۱۰۰+) که نماینده بی آبرویی و عدد مثبت هزار (۱۰۰۰+) که نماینده قتل رومینا است. همچنین برای تعیین میزان مطلوبیت رومینا به شکل مثبت (نه به شکل منفی که در بالا بدان اشاره شد) می توان از ۲ عدد استفاده نمود. عدد مثبت سیصد (۳۰۰+) که نماینده اعتماد کردن و عدد مثبت دویست (۲۰۰+) که نماینده بی اعتمادی است. با توجه به این تغییر اعداد مجدداً جدول ماتریسی زیر را داریم :

استراتژیهای پدر رومینا (ستون ها)	بهمن را بکشد و قصاص شود	رومینا را بکشد و زندان برود	هیچ کدام را نکشد و بی آبرو شود
استراتژیهای رومینا (سطرها)	اعتماد کند تا ازدواج کند ۱۰ و ۳۰۰+	۱۰۰۰ و ۳۰۰+	۱۰ و ۳۰۰+
اعتماد نکند و ازدواج هم نکند	۱۰ و ۲۰۰+	۱۰۰۰ و ۲۰۰+	۱۰ و ۲۰۰+

جدول ۲ - جدول ماتریسی مکتب کلاسیک در تئوری بازیها

با توجه به پیش فرضهای تئوری بازیها می توان بیان نمود که طرفین عقلانیت دارند و انتخاب عقلانی انجام می دهند و هر کدام به دنبال حداکثر کردن مطلوبیت خود هستند. همچنین طرفین نسبت به یکدیگر اطلاعات کامل دارند و شناخت کاملی از یکدیگر دارند و می توانند بر اساس شناختی که دارند به تحلیل رفتار و موقعیت پردازند و بر اساس شناختشان نسبت به یکدیگر می توانند عمل و عکس العمل یکدیگر را پیش بینی نمایند. به جرات می توان گفت که در این بازی طرفین نسبت به یکدیگر اطلاعات کامل داشته اند. از آنجا که رومینا از خانه فرار کرده بوده است، نشان از اطلاعات کامل نسبت به پدر و شخصیت وی و تحلیل موقعیت است و درواقع او احساس خطر میکرده است که اقدام به فرار نموده بود و در بازگشت مقاومت می کرد. همچنین پدر نسبت به سیستم قضایی و دخترش اطلاعات کامل دارد که توانسته است هم سیستم قضایی را فریب دهد و هم دختر را در متقاعد کردن و جلب اعتماد فریب دهد. اکنون به سراغ تحلیل بازی می رویم تا ببینیم آیا هر دو نفر بر اساس عقلانیت بهترین انتخاب را انجام داده اند یا خیر.

از دیدگاه رومینا عقلانیت انتخاب سود بیشتر به سود کمتر بوده است و او دنبال کسب سود ۳۰۰+ به

جای سود ۲۰۰+ بوده است. پس حداکثر مطلوبیت برای وی بر اساس اعتماد کردن بوده است.

از دیدگاه پدر رومینا عقلانیت، انتخاب سود بیشتر به سود کمتر بوده است. او هم به دنبال کسب سود ۱۰۰۰+ به جای سود ۱۰۰+ و ۱۰+ بوده است و حداکثر سود و مطلوبیت برای وی بر اساس قتل رومینا بوده است.

طبق عقلانیت انتخاب پدر رومینا ۱۰۰۰+ بوده است و انتخاب رومینا ۳۰۰+ بوده است و به خانه ای از جدول می رسیم که با رنگ آبی مشخص شده است. این نقطه تعادل بازی است که به تعادل نش معروف می باشد. به طور کلی میتوان بیان نمود که علت انجام این عمل مجرمانه تعادل نشی است که در این بازی بین دو بازیکن (پدر رومینا و رومینا) وجود دارد. با توجه به اینکه تئوری بازیها جای عقلانیت است و جای احساسات و تحلیلهای احساساتی نیست، رومینا می بایست انتخاب های پدر را بر اساس شناخت مورد تحلیل و پیش بینی قرار میداد و به این نتیجه می رسید که بهترین نقطه این بازی و نقطه تعادل نش بازی خانه آبی خواهد بود و بر اساس این پیش بینی می توانست مسیر بازی را نفع خودش تغییر دهد. این تغییر مسیر بازی می توانست با طراحی بازی جدید، یا با تغییر زمین بازی، یا با انتخاب استراتژی جدید و یا با وارد کردن بازیکن جدید به بازی باشد.

با توجه به اینکه تئوری بازیها نقطه تعادلی بازیهای کلاسیک را بر اساس تعادل نش پیدا میکند، می تواند بر اساس عقلانیت، موقعیتهایی را برای هر یک از طرفین بازی (بزهکار یا بزه دیده) تعریف نماید تا بتوانند بازی را به نحوی دیگر کنترل و مدیریت نمایند. اگر رومینا یا حتی پدر رومینا به این فضا در کنار مکتب کلاسیک با عینک و لنز تئوری بازیها نگاه میکردند، می توانستند بازی را تغییر دهند. این تغییر مسیر بازی می توانست با طراحی بازی جدید، یا با تغییر زمین بازی، یا با انتخاب استراتژی جدید و یا با وارد کردن بازیکن جدید به بازی باشد. تئوری بازیها در مکتب کلاسیک با توجه به تبدیل موقعیت مجرمانه به یک بازی و پیدا کردن نقطه تعادلی بازی (تعادل نش در بازیهای کلاسیک) میتوانست استراتژیها و تاکتیکهای جدیدی تعریف کند تا یکی از طرفین بخواهد نتیجه بازی را به نفع خویش و یا هدایت بازی به نقطه تعادلی که مطلوبیت طرفین را حداکثر کند پیش ببرند. به عبارتی تئوری بازیها بر اساس نظریه ذهنیت مجرمانه محاسبه گر در مکتب کلاسیک در بستر قوانین ایران، میتواند هم علل جرایم را مورد تبیین قرار دهد و هم میتواند راه های پیشگیری از جرایم را با وضع

قوانین مناسب و متناسب ارائه نماید. و همانطور که بررسی گردید میتوان بیان نمود که تئوری بازیها با توجه به توانمندی و ابزارهای تحلیلی که دارد میتواند وجوه مشترک فراوانی با مکتب کلاسیک و ذهنیت مجرمانه محاسبه گر داشته باشد و در زمینه ارتکاب جرایم تا حد قابل توجهی نقش ایفا نماید.^۱

نتیجه گیری

به طور کلی بر اساس این پژوهش نتیجه میگیریم که شخصیت هر مجرم در چگونگی ذهنیت محاسبه گر مجرمانه و همچنین نوع جرم بر این معادله و عقلانیت کیفری کاملاً موثر میباشد و هر مجرم برای ارتکاب جرم، عواید ناشی از جرم را به همراه مجازاتها و دردهای در آینده مورد محاسبه عقلانی قرار داده و در نهایت تصمیم گیری میکند که جرم مورد نظر را انجام بدهد یا از آن منصرف گردد. بستری که ذهنیت مجرمانه در آن به محاسبه درد و لذت ناشی از جرم میپردازد، قوانین کیفری کشور میباشد. بنا بر این نظریه، قوانین و مجازاتهای قانونی، نیمه دیگر این محاسبه گری و عقلانیت کیفری بوده و در به وجود آمدن و همچنین ممانعت از جرایم نقش به سزایی دارند. تدوین قوانین کیفری مناسب میتواند زمینه ارتکاب بسیاری از جرایم را از بین برده و یا فراهم نماید. قوانین و نحوه اجرای قوانین و مقررات به مثابه زمینه و بستری میباشد که مجرمین در محاسبات ذهنی و اقتصادی خود همواره بدانها توجه کرده و در تصمیم گیری و انتخاب عقلانی خویش، از آنها بهره میجویند و اعمال خویش را بر اساس محاسبات ذهنی که به صورت اقتصادی و حقوقی بوده است، بروز داده و دست به اقدامات میزنند.

عدم وجود قانون و جرم انگاری در موارد خاص استثنایی و یا وجود قوانینی که زمینه و بستر مناسبی میباشد که اقدامات مجرمانه ای صورت پذیرد و یا قوانینی که جنبه بازدارندگی ندارند، جزء دسته قوانینی هستند که در ذهنیت مجرمانه محاسبه گر، نقش مداخله گر داشته و در عقلانیت کیفری، نقش زمینه و بستری مناسب برای ارتکاب افراد به جرم میگردند. این دسته از قوانین، نیاز به اصلاح دارند تا بتوانند با اصلاح مجازات های متناسب، نقش مانع در عملکرد مجرمان داشته باشند. به عنوان مثال مجرمینی در زمینه اپلیکیشن ها و نرم افزارهای کاربردی دست به اقدامات مجرمانه زده و کلاهبرداری های کوچکی انجام میدهند. آنها در محاسبات خویش، به قربانی و تفکرات او میپردازند. به عنوان مثال تصمیم میگیرند که از هر شخصی ۱۰۰ هزار تومان کلاهبرداری کنند. مسلماً مال باخته ای که ۱۰۰

۱عبدلی، قهرمان، ۱۳۸۶، نظریه بازیها و کاربردهای آن، انتشارات جهاد دانشگاهی.

هزار تومان از دست داده است بعد از اینکه قربانی میشود و مال از دست میدهد، تجزیه تحلیل اقتصادی میکند برای اقدام قضایی متناسب و عملکرد و عکس العمل نشان دادن. تا قبل از سال ۱۳۹۹ و تصویب و اجرای قانون کاهش مجازات حبس تعزیری، کلاهبرداری جرمی بوده است که جنبه عمومی جرم باعث ورود دادستان برای شروع تعقیب بوده است ولی با توجه به این قانون و در زمره جرایم قابل عفو درآمدن، این جرم جنبه عمومی خویش را از دست داد و این جرایم تنها با شکایت شاکی خصوصی مورد پیگرد و تعقیب قرار میگیرند. با توجه به اینکه قربانیان و طعمه های این مجرمین، هزینه فرصت انجام میدهند، تعداد بسیاری از شکایت صرف نظر میکنند و این مجرمین با خیال راحت تر میتوانند دست به ارتکاب آزادانه جرم بزنند، بدون اینکه نگران تعقیب قضایی از ناحیه دادستان باشند. یکی از قوانین مداخله گر که نقش مهم و مثبت در روند افزایش ارتکاب جرایم دارد، همین قانون کاهش مجازات حبس تعزیری است. کاهش مجازات یکی از مهمترین مسائلی است که باعث تقویت نظریه جرمی بنام میگرد و در نوع رویکرد و تصمیم گیری مجرم تاثیر مستقیم به سزایی دارد.

قانون کاهش مجازات حبس تعزیری که مشتمل بر ۱۵ ماده است، در فرازهای مختلف منجر به افزایش ارتکاب جرم میگردد که در این بخش تنها به ذکر چند نمونه از این موارد و تاثیرات مواد قانونی بسنده میگردد. در ماده ۱ این قانون به صورت مستقیم مجازات ۷ جرم به صورت مستقیم کاهش یافته است. جرم ایراد ضرب و جرح عمدی، جرم آدم ربایی، جرم معاونت و شروع به جرم در آدم ربایی، جرم تخریب عمدی، جرم تخریب محصول، جرم توهین و جرم افترا از جرایمی هستند که مجازاتشان به صورت مستقیم بسیار کاهش پیدا نموده است. این کاهش مجازات تاثیرات فراوانی در قلمرو حقوقی دارد. اولاً کاهش مجازات در مواردی صلاحیت دادگاه ها را تحت تاثیر قرار میدهد. کاهش مجازات از بعدی دیگر باعث تغییر در حوزه مرور زمان و تمامی ابعاد مرور زمان، اعم از ارتکاب جرایم، رسیدگی و اجرای مجازات میگردد. با توجه به نظریه جرمی بنام، این موارد به طور کلی در ذهنیت مجرمانه محاسبه گر، کفه ترازوی سنجش جرایم را از لحاظ مجازات سبک میکند و شخص را در ارتکاب جرم و تقویت و تحریک به ارتکاب جرم همراهی مینماید.

در ماده ۳ این قانون تمامی حبس های ابد غیر حدی را تبدیل به حبس درجه یک مینماید و موضوع ابدیت در حبس را به کلی نسخ و باطل میگرداند. از آنجایی که آزادی یکی از مهمترین داشته ها و خواسته های هر انسانی است و تهدید به آن میتواند در کنترل بسیاری از افراد نقش مهمی داشته باشد،

لذا کاهش گستره این تهدید از حالت ابد به غیر ابد میتواند، بذر امید را در ذهن فردی که تصمیم به ارتکاب جرمی دارد بکارد و ذهنیت محاسبه گر او را تحت تاثیر قرار دهد. آن شخص برای ارتکاب جرمی که حبس ابد داشته است، در ترازوی مجازات برای ارتکاب جرم تا کنون حبس ابد را میگذاشته و شروع به تجزیه تحلیل میکرده برای ارتکاب جرم و اکنون حبس غیرابد و حبس درجه ۱ را که میتواند با آزادی مشروط و انواع مکانیسم های کاهش مجازات، کاهش یابد را در کفه دیگر ترازو میگذارد و تجزیه تحلیل مینماید که نتیجه این تجزیه تحلیل بر اساس عقلانیت کیفری، چیزی جز تصمیم گیری و ارتکاب جرم نمی تواند باشد.

در ماده ۷ این قانون و موضوع این ماده قانونی سه جرم دایر کردن مرکز فساد و فحشا و تشویق مردم به فساد و فحشا است و جرم دوم نمایش و ساخت و تجارت اشیایی است که عفت عمومی را جریحه دار مینماید و جرم سوم جرایم کلاهبرداری و در حکم کلاهبرداری است که با توجه به رشد فضای مجازی در جامعه، بستر این جرایم رشدی مضاعف داشته است و طیف وسیع تری را به خود مشغول ساخته است. قانونگذار در این ماده قانون به ضروریات و بستر جامعه نگاهی دقیق داشته است و در جهت کاهش اقدامات مجرمانه در جامعه، به خاطر همه گیری و عمومیت پیدا کردن این جرایم قدم برداشته است و در نظر دارد، افرادی را که در این دو حوزه قدم برداشته اند، کمک و همراهی نماید و زیرساخت و بستر رها کردن جرم را در آنان مهیا سازد تا از طریق قوانین در کنترل جرایم مذکور مشارکت اداری نماید ولی نکته ای حائز اهمیت را مورد توجه قرار نداده است و نسبت به آن غفلت داشته است. ذهنیت محاسبه گر و هوشمند شخص مرتکب را مورد شناخت قرار نداده است. تصویب و اجرایی شدن این قانون، اگرچه میتواند افرادی را که در این جرایم قدم برداشته اند، از ارتکاب به جرم دور گرداند ولی طیف دیگری را که در جرایم دست به محاسبه میزنند و میزان و نوع و شدت مجازات و راهکارهای قانونی در برابر جرم را در نظر میگیرند، ناخواسته افزایش داده و آنها را قوی تر میگرداند.

در ماده ۱۱ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری، موضوعات ۳۲ گانه جرایم ماده ۱۰۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ را مورد هدف قرار داده و آنها را تبدیل به جرایم قابل گذشت نموده است. جرایم مهمی در این تبدیل حالت از غیرقابل گذشت بودن به قابل گذشت شدن وجود دارد. ذهنیت محاسبه گر مجرمانه، اکنون در مورد ارتکاب این جرایم به خیال راحت تری دست به ارتکاب میزند. تا

قبل از تصویب این ماده قانونی، ذهنیت او ترس از مقام تعقیب و دادستان را در خود داشت. در این محاسبه بود که یک گزارش به ضابطین قضایی میتواند او را در دام قانون گرفتار نماید، حتی اگر در مواردی دستگیر هم شود، اگر بتواند رضایت شاکی خصوصی را برآورده نماید، باز جنبه عمومی جرم بابر جاست و تعقیب یا اجرای مجازات معلق نمیگردد؛ ولی اکنون به پشتوانه این ماده خیال راحت تری پیدا میکند و در محاسباتش موارد فوق الذکر را فاکتور میگیرد و با خیال راحت تر دست به ارتکاب جرایم میزند. این یکی از موادی است که به طور مستقیم ذهنیت محاسبه گر مجرمانه را دستخوش تغییر میکند و به طور ناخواسته او را در ارتکاب جرایم و تصمیم گیری به ارتکاب جرایم یاری میرساند.

به طور کلی بر اساس این پژوهش نتیجه میگیریم که شخصیت هر مجرم در چگونگی ذهنیت محاسبه گر مجرمانه و همچنین نوع جرم بر این معادله و عقلانیت کیفری کاملاً موثر میباشد و هر مجرم برای ارتکاب جرم، عواید ناشی از جرم را به همراه مجازاتها و دردهای در آینده مورد محاسبه عقلانی قرار داده و در نهایت تصمیم گیری میکند که جرم مورد نظر را انجام بدهد یا از آن منصرف گردد. بستری که ذهنیت مجرمانه در آن به محاسبه درد و لذت ناشی از جرم میردازد، قوانین کیفری کشور میباشد. بنا بر این نظریه، قوانین و مجازاتهای قانونی، نیمه دیگر این محاسبه گری و عقلانیت کیفری بوده و در به وجود آمدن و همچنین ممانعت از جرایم نقش به سزایی دارند. تدوین قوانین کیفری مناسب میتواند زمینه ارتکاب بسیاری از جرایم را از بین برده و یا فراهم نماید. قوانین و نحوه اجرای قوانین و مقررات به مثابه زمینه و بستری میباشد که مجرمین در محاسبات ذهنی و اقتصادی خود همواره بدانها توجه کرده و در تصمیم گیری و انتخاب عقلانی خویش، از آنها بهره میجویند و اعمال خویش را بر اساس محاسبات ذهنی که به صورت اقتصادی و حقوقی بوده است، بروز داده و دست به اقدامات میزنند.

با توجه به مطالبی که در مکتب کلاسیک مبنی بر عقلانیت کیفری و ذهنیت مجرمانه محاسبه گر توسط اندیشمندان حوزه حقوق کیفری اعم از بنتام، بکاریا، روسو و مونتسکیو ارائه شد، می توان بیان نمود که ذهنیت مجرمانه محاسبه گر، برای ارتکاب جرم از فرمولی برای محاسبه ضرر و سود حاصل از جرم استفاده مینماید. قسمتی از این فرمول محاسباتی ذهنیت محاسبه گر را، سود و منافع حاصل از ارتکاب جرم و قسمتی دیگر را ضررهای حاصل از ارتکاب جرم شامل میگردد. آنچه به عنوان ضررهای حاصل از ارتکاب جرم در این فرمول محاسباتی وارد میشود، مجازاتی است که قانون گذار

برای هر جرم در نظر میگیرد. میزان این مجازات به همراه نحوه اعمال این مجازات نقش مهمی در ارتکاب اعمال مجرمانه دارد. میزان مجازات و نحوه اعمال مجازات در ذهنیت مجرمانه نقشی موثر و مهم برای ارتکاب عمل مجرمانه دارد. هر چقدر میزان این مجازات افزایش یابد، میزان ارتکاب جرایم کاهش می یابد و هر چقدر میزان این مجازات کاهش یابد، میزان ارتکاب جرایم افزایش می یابد. با توجه به قانون کاهش مجازات حبس تعزیری و رویکردی که در زمینه کاهش و تبدیل و حذف مجازات دارد، به نحوی چشم گیر میزان ارتکاب جرایم را افزایش میدهد. عقلانیت کیفری و ذهنیت مجرمانه بر اساس محاسباتی که مجرم نسبت به ارتکاب جرم با توجه به تغییراتی که در مورد جرایم در ماده های قانون کاهش مجازات حبس تعزیری، اعمال شده است ؛ باعث سبک تر شدن مجازات جرایم خاصی نسبت به حالت قبل شده است و با توجه به کاهشی که در میزان این مجازاتها صورت گرفته است و با توجه به سایر بسترهایی که در جامعه، اعم از بسترها و شرایط نامناسب و نامساعد اقتصادی و فرهنگی، برای ارتکاب این جرایم وجود دارد، در مجموع باعث افزایش ارتکاب جرایم مطابق با مطالب مرتبط با مکتب کلاسیک و نظریه ذهنیت محاسبه گر مجرمانه شده است. با تغییراتی که در مقررات مرتبط با مجازات جایگزین حبس که عموماً در این دسته از جرایم وجود دارد، و با توجه به اینکه مقررات مربوط به مجازات جایگزین حبس در جرایم در حوزه حقوق جزای عمومی بوده و قابلیت گسترش و اشاعه به کلیه جرایم در حوزه جرایم اختصاصی را دارد، لذا می توان بیان نمود که این ماده از قانون کاهش مجازات حبس تعزیری که کاملاً مقررات مرتبط با مجازات جایگزین حبس را تحت تاثیر قرار میدهد و میزان مجازات را نسبت به حالت قبل از تغییرات، کاهش میدهد، بر اساس رویکرد ذهنیت مجرمانه محاسبه گر، میزان ارتکاب جرایم را افزایش میدهد.

با تغییراتی که در مقررات مرتبط با تکرار و تعدد که عموماً در این دسته از جرایم وجود دارد، و با توجه به اینکه مقررات مربوط به تکرار و تعدد در جرایم در حوزه حقوق جزای عمومی بوده و قابلیت گسترش و اشاعه به کلیه جرایم در حوزه جرایم اختصاصی را دارد، لذا می توان بیان نمود که ماده ۱۵ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری که کاملاً مقررات مرتبط با قاعده تکرار و تعدد جرم را تحت تاثیر قرار میدهد و میزان مجازات را نسبت به حالت قبل از تغییرات، کاهش میدهد، بر اساس رویکرد ذهنیت مجرمانه محاسبه گر، میزان ارتکاب جرایم را افزایش میدهد.

با توجه به ویژگیهایی که قانون کاهش مجازات حبس تعزیری دارد که پیشتر بیان گردید که یکی از

مهمترین ویژگیهای آن شتابزدگی و تصویب دو فوریتی این قانون بوده است و با توجه به اهدافی که از این قانون گذاری وجود داشته و هدف کاهش جمعیت کیفری زندان ها بوده است، نه کاهش در میزان جرم در جامعه و با توجه به تاثیرات عمده این قانون که در افزایش ارتکاب جرایم بروز و نمود پیدا کرده است، می توان به یقین بیان نمود که ذهنیت مجرمانه محاسبه گر و عقلانیت کیفری و نظریات مکتب کلاسیک در زمینه تقنین این قانون راه و جایی نداشته است و به هیچ وجه مورد توجه قرار نگرفته است و هیچگونه تاثیری بر تقنین این قانون نداشته است.

بر اساس ویژگی های قانون کاهش مجازات حبس تعزیری، از جمله تصویب دو فوریتی آن و بر اساس اهداف تقنین این قانون، از جمله کاهش جمعیت کیفری با توجه به سیاستهای کیفر زدایی و حبس زدایی ؛ با توجه به اینکه مکتب کلاسیک یکی از بنیادی ترین مکاتب در زمینه قانون گذاری بوده است و در مکتب کلاسیک از طریق اعمال مجازات متناسب تا میزان زیادی از ارتکاب جرایم در آینده ممانعت به عمل می آورد، همچنین عدم توجه لازم و کافی به مکتب کلاسیک در قانون گذاری در قانون کاهش مجازات حبس تعزیری می توان بیان نمود که این قانون از لحاظ پیشگیری از جرایم، هیچگونه سیاست کیفری را دنبال نمیکند. نه تنها این قانون پیشگیری از جرایم را با خود به همراه ندارد، بلکه به علت عدم در نظر گرفتن مکتب کلاسیک و کاهش در مجازات، ارتکاب جرم در آینده را تسهیل میکند و ممانعتی در مورد عدم ارتکاب جرایم در آینده همراه ندارد. قانون کاهش مجازات حبس تعزیری با توجه به ذهنیت مجرمانه محاسبه گر و رکن اصل مکتب کلاسیک و عدم در نظر گرفتن آن، در زمینه پیشگیری از جرایم هیچ گونه تاثیر مثبتی نداشته حتی در مواردی دارای تاثیرات منفی نیز می باشد و میزان ارتکاب جرایم در آینده را افزایش میدهد.

با توجه به این که قوانین مرتبط با تکرار و تعدد جرم کاملاً مبتنی بر نظریات مکتب کلاسیک و نظریه ذهنیت مجرمانه محاسبه گر بوده است و بدین منظور در سیاست کیفری انتخاب شده است که با افزایش و تشدید در مجازات، مانع از تکرار جرم توسط مرتکب در آینده گردد و ضمن توجه به این مطلب که قانون کاهش مجازات حبس تعزیری کاملاً مغایرت با مکتب کلاسیک و نظریه عقلانیت کیفری دارد و ضمن این مورد، با ماده ۱۵ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری و تغییراتی که در جهت سیاستهای کیفری انقباضی در مورد مقررات مرتبط با تکرار و تعدد جرم داشته است، میتوان بیان نمود که قانون کاهش حبس تعزیری با توجه به ذهنیت مجرمانه محاسبه گر در مورد بازدارندگی افراد

از تکرار جرایم، هیچگونه بازدارندگی ندارد و به عبارتی نه تنها تاثیر مثبت نداشته است، بلکه دارای تاثیراتی منفی بوده و نه تنها بازدارندگی در مرتکب به وجود نمی آورد، بلکه باعث تکرار جرم او در آینده نیز می شود.

پیشنهادهات

مطابق با این پژوهش پیشنهاد میگردد که در مقام تقنین و قانون گذاری، به گونه ای عمل گردد که زمینه به وجود آمدن مجرمین کاهش یافته و نزدیک به صفر گردد. به گونه ای قانونگذاری به عمل آید که مجرمین با عقلانیت کیفری نتوانند جرمی را انجام دهند و در ذهنیت خود برای ارتکاب یک جرم با چالشهای بزرگ و اساسی مواجه باشند. سپس پیشنهاد میگردد که با ورود تکنولوژی به حوزه های جرم شناسی و ابعاد پیشگیری از جرم، زمینه رشد و نمو مجرمین به حداقل ممکن برسد. بر این اساس پیشنهادهاتی نظری و عملی در راستای این پژوهش مطابق با فهرست زیر ارائه میگردد.

یک - به قوه مقننه پیشنهاد میگردد که در راستای اصلاح قانون کاهش مجازات حبس تعزیری بر اساس مکتب کلاسیک و با در نظر گرفتن ذهنیت مجرمانه محاسبه گر اقدام نماید.

دو - به قوه قضائیه پیشنهاد میگردد که با اقدامات پژوهشی، طرح هایی ارائه دهند که در کنار قانون کاهش مجازات حبس تعزیری، سیاستهای کیفری در راستای پیشگیری از جرایم و در مدار صحیح قرار گیرد و با کمک طرح های تکمیلی، خاصیت بازدارندگی جرایم حفظ گردد.

سه - به قوه مجریه پیشنهاد میگردد که با اقدامات پژوهشی، طرح هایی ارائه دهند که در کنار قانون کاهش مجازات حبس تعزیری، سیاستهای کیفری در راستای پیشگیری از جرایم و در مدار صحیح قرار گیرد و با کمک طرح های تکمیلی، خاصیت بازدارندگی جرایم حفظ گردد.

چهار - به دانشجویان و اساتید دانشگاه ها و حقوق دانان و حقوق خوانان پیشنهاد میگردد تا با رویکرد و پارادایم ذهنیت مجرمانه محاسبه گر، ابعاد مختلف قانون کاهش مجازات حبس تعزیری را مد نظر قرار دهند و این طرح پژوهشی را ارتقا داده و به غنای مطالب آموزشی آن اهتمام ورزند.

منابع و مآخذ

- مصطفی زاده، فهیم، ۱۳۹۵، تاریخ تحولات حقوق کیفری، ص ۲۳
- ملک محمدی، حمید رضا، نظریه های جرم شناسی فرانک پی ویلیامز، ۱۳۹۸، ص ۴۹
- الهام، غلامحسین، دانش ناری، حمید رضا، ۱۳۹۳، تاملی بر نظریه گزینش حسابگرانه بنیانها و قلمرو، دوفصلنامه علمی تخصصی تحول در علوم انسانی
- الله وردی، فرهاد، محرابی، علی، ۱۳۹۸، عقلانیت جنایی؛ محدودیت ها و چالش ها (با تأکید بر جرائم خشونت بار)
- صادقی فسایی، سهیلا، پروین، ستار، ۱۳۹۰، جرم بر ساخته ذهنیت گفتمان و قدرت، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی
- حبیب زاده، محمد جعفر، صادقی، ولی الله، ۱۳۹۹، ناهمسویی های قانونی با سیاست کیفرزدایی در ایران
- جانی پور، کرم، محمدی، مرضیه، ۱۳۹۴، قطعیت اجرای کیفر در حقوق ایران.
- یاری حاج عطالو، رحیم؛ ۱۳۹۲، سیاستهای جنایی ایرار در برابر جرایم یقه سفیدی با تأکید بر پیشگیری کیفری، فصلنامه علمی مطالعات بین المللی پلیس، مقاله ۱، دوره ۴، شماره ۱۴، تابستان ۱۳۹۲، صص ۱۱ تا ۳۴.
- حبیب زاده مومن، بهنام؛ وروایی، اکبر؛ ۱۳۹۶؛ واکاوی سیاست جنایی ایران در قبال جرایم یقه سفید، فصلنامه علوم اجتماعی شوستر، سال یازدهم، زمستان ۱۳۹۶.
- موسوی مجاب، سید درید، ۱۳۸۳، بزهکاران یقه سفید، فلصنامه مدرس علوم انسانی، دوره ۳، شماره ۸، پاییز ۱۳۸۳.
- نصیری، مصطفی؛ ۱۳۹۳، ساز و کار کنترل جرایم یقه سفید با تکیه بر الگوهای کیفری و غیر کیفری، فصلنامه علمی پژوهشی کارآگاه، دوره ۷، پاییز ۱۳۹۳.
- صادقی، احمد رضا، مقاله: سیاست جنایی مشترک منطقه ای عاملی موثر در پیش گیری از جرایم و مواد مخدر، ماهنامه عدالت، شماره ۸۶، سال دوازدهم، ۱۳۸۹.
- مداح، افشین؛ ۱۳۹۸، مکانیسم مبارزه با مفاصد اقتصادی شبکه ای در اقتصاد ایران، انتشارات برتراندیشان.

- مداح، افشین، ۱۳۹۹، الف میم و ۱۰۱ دزد حرفه ای، انتشارات جهش یادگیری.
- مداح، افشین، ۱۴۰۱، رویکرد تئوری بازیها به دانش جرم شناسی، انتشارات جهش یادگیری.
- مصدق، محمد، ۱۳۹۹، شرح قانون کاهش مجازات حبس تعزیری، انتشارات جنگل.
- محسنی، فرید، ۱۳۹۶، جرم شناسی، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)

